

9

۱۳۹  
۱

۱۶۶۸۹

مجله	اعتقاد
تاریخ نشر	آذر ۱۳۹۶
شماره	۴۴
شماره مسلسل	۲۱
محل نشر	تهران
زبان	فارسی
نویسنده	مولود اربیل
تعداد صفحات	۱۰۰ صفحه
موضوع	تشریح مسائل (لوزة اعلی)
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

« وَالَّذِي أَخْرَجَ الذَّرْعِيَ مُبْعَثَةً غُنَاءً  
أَخْوَى »:

بنظر میرسد پس از گفتن خلق و تسویه و تقدیر و هدایت، گفتن این دو جمله برای نشان دادن نمونه و الگویی از آنهاست. این مثال میتواند الگوی همه آنها باشد. بیرون آمدن چراگاه و سبزه زار از دل خاک تیره، رشد و نمو آن، شکوفه ها و گلها و برگها و ساقه های آن و رسیدن آن به کمال رشد و توقف آن از رشد و نمو و خشک شدن و بی رونق شدن و زرد و تیره شدن آن و بالاخره تبدیل به خاشاک شدنش از خلق و تسویه و تقدیر و هدایت حکایتها دارد. آری براساس الگوی حق و نمونه جالبی است برای آنهایی که فرصت تأمل و تدبیر در آیات خدا را دارند و روح و دلشان آکنده و مملو از عشق حق است.

در این بخش، آیه اول مربوط به محور دو (رابطه انسان - خدا که رابطه تسبیح است) و سایر آیات مربوط است به محور سه (رابطه خدا - جهان که رابطه خلق - تسویه - تقدیر و هدایت است).

« سَتَقَرُّنَاكَ فَلَا تَنْسِيْ » إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ  
إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى » وَتُيَسِّرُكَ  
لِلْيُسْرَى ».

بزودی ترا بخواندن و امیداریم، پس فراموش نخواهی کرد مگر آنچه را که خدایت بخواند، او آشکار و نهان را میداند و سهل و آسان میگردانیم بر تو آسانترین را.

تفسیر

سَتَقَرُّنَاكَ: از «اقرأ» است به معنی واداشتن بقرائت؛ بزودی ترا بقرائت قرآن و امیداریم. این وعده ای از سوی خداوند درباره نزول قرآن است، یعنی آیات متعدد و فراوان نازل میگردانیم و تو آنها را برای مردم یا برای خودت می خوانی.

فَلَا تَنْسِيْ: پس فراموش نمی کنی؛ این وعده دوم و مزده دیگر است که خداوند بر رسول الله (ص) میدهد که تو قرآن را حفظ خواهی کرد و فراموشی بر تو راه نخواهد یافت.

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى: مگر آنچه را که خدا نخواهد. او آشکار و نهان را میداند.

در این استنشاه بحثهای زیادی هست. اگر کسی بخواند از آنها اطلاع پیدا کند به کتابهای



در بحث گذشته سه آیه نخستین سوره «اعلی» مورد شرح و تفسیر قرار گرفت. «تنزیه عقیدتی، قولی و عملی» خداوند سبحان و نیز اقسام هدایت (تکوینی و تشریحی) از جمله مباحث مطروحه در این بحث بود. طی مقاله حاضر، بررسی و تفسیر بقیه آیات مبارکه سوره «اعلی» ارائه میگردد.

قسمت دوم

# تفسیر قرآن

آیت الله موسوی اردبیلی

سوره «اعلی»

تفسیر مراجعه نماید. ما در اینجا فقط معانی را که به نظرمان ارجح از معانی دیگر است می آوریم. نخست اشکالی که بنظر میرسد نقل می کنیم: اشکال و سؤال اینست: اگر معنای آیه اینست که پیامبر پاره ای از آیات قرآن را که خداوند خواسته است آنها را فراموش کند، فراموش کرده است، پس معلوم میشود قرآن آیه ای داشته است که پیغمبر فراموش کرده و نهایتاً اینها بخواست خداوند بوده است. در این صورت اولاً باید دید چنین چیزی با مقام نبوت و هویت وحی سازگار است یا نیست و ثانیاً چنین چیزی واقعیت هم داشته است یا نه؟

برخی از علماء در باب «نسخ» گفته اند: نسخ دو قسم است: نسخ الحکم و نسخ التلاوة. آیاتی که در آنها نسخ حکم شده است، در قرآن آمده است و تلاوت هم می شود ولی به احکامش عمل نمی شود زیرا نسخ شده است. ولی در جاهائیکه نسخ تلاوت شده است، آیات هم در قرآن نیامده است و این موارد ممکن است انشاء هم شده باشد.

برخی گفته اند نسخ غیر از انشاء است. انشاء، از یاد بردن و فراموش کردن آیات است و این در صورتیکه خدا بخواهد اشکالی ندارد و بعضی میگویند این با اصول اسلام و سیره محقق سازگاری ندارد. بنظر میرسد معنی آیات نیازی به این بحثهای پیچیده ندارد، هر چند این بحثها هر کدام از بحثهای اصولی لازم و ضروریست. بیان آنچه گفتیم اینست که تعلق به مشیت خدا، خواه در این مورد یا در موارد دیگر، با ترکیبی که در اینجا هست یا به شکل «انشاء الله» و غیره، بدین منظور نیست که از وجود یا عدم چیزی خبر دهد بلکه منظور چیز دیگر است و آن اینست:

توهمی که گاهی برای انسان دست میدهد که فلان چیز حتماً میشود یا فلان کار نمی شود، اختیار و کلّ اختیار فلان امر در دست شخصی یا چیز نیست و اوست که باید درباره آن چیز تصمیم بگیرد و هر تصمیمی بگیرد قطعی و لا یتخلف است، نباید پیش بیاید زیرا این توهم هر چه تقویت شود صدمه به توحید انسان میزند، مثل اینکه در دائره قدرت و مشیت خدا (لا مؤثر فی الوجود الا الله) شریکی پیدا شده است، هر چند شرکت او با اذن و اراده خدا باشد. لذا باید همواره انسان توجه داشته باشد که «ازمة الامور کلاً پبیده و اکلاً مستمده من مده» و نباید تصور کرد که در برخی چیزها دست خدا بسته است: «وقالت اليهود يد الله مغلولة غلت ايديهم بل يدها ميسوطان». لذا در

**\* «فلاح» چیست؟**  
**رستن از بند عذابها، بلاها، گرفتاریها، مصیبت ها و نگرانیها، و رسیدن به امن و آسایش و اطمینان و سلامت و پیمودن راه تکامل در ابعاد گوناگون و رسیدن به کمال مطلوب.**

**\* چگونه باید «فلاح» را بدست آورد؟ توسط تزکیه نفس، رستن از بند عقائد فاسد، افکار بوج، نیت های ناروا و دوری از محیط های آلوده به گناه و پستی و خودداری از همگامی با آلودگان، و نیز به وسیله ذکر خدا.**

**\* مهمترین آفت فلاح که ریشه و اصل آفت هاست، اولویت دادن و مقدم داشتن دنیا بر آخرت است، یعنی انسان مقهور حیات دنیا شده و از عقلیات دوری گزیند و به زندگی پست و آلوده به مصائب و گناه دنیا اکتفاء کند و حیات آخرت را بها ندهد و ارج نگذارد.**

هر چیزی که کسی یا کسانی فکر می کنند باید دیگر ضروری و حتمی است یک «انشاء الله» د کارش هست.

نباید گفته شود این پیغمبر است، این نبی است، این رسول است و خداوند صورتی از ربوبیت خود را تفویض کرده و خودش فعلاً منزل است! خدا میفرماید حتی در کارها و مسئولیتهای مستقیم رسول که حفظ وحی و مراقبت و تبلیغ آنست، چیزی خواست خداوند نمیتواند انجام دهد.

«شاء و یشاء» هم وقتیکه به خدا نسبت داده میشود قزقی ندارد. پس آیه میفرماید: تو آیات را حفظ خواهی کرد تا بر مردم بخوانی مگر آنچه را که خدا خواسته باشد فراموش کنی. بنابراین چنانی برای این سؤال نمی ماند که آیا خدا خواسته یا نخواسته است و نباید گفته شود ظاهر «إلا ما شاء الله» اینست که خدا خواسته است یعنی در مقام اخبار از مشیت خدا در گذشته است. بنابراین ارتباط «إِنَّ يَفْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى» هم روشن می شود زیرا این جمله پس از تذکر قدرت خدا و توبته بعلم خداست و اگر این مطلب پذیرفته نشود در ربط این جمله هم مشکل ایجاد میشود.

**\* وَتَيْسَّرُ لِيُيسِّرِي**

یسر: آسان گردانید، یسر: آسان میگردانیم. تیسرک لیسری: ترا آسان می گردانیم برای یسری. «اليسر»، آسانتر و «یسری» مؤثت «اليسر» است. «یسری» صفت است. در آیه موصوف نیامده است و در سبک قرآن فراوان است مانند العاديات، فالوريات، والذاريات، الحسن، الجوار الكنس و غیر اینها. پس در فهم این آیه دو مشکل داریم: یکی آسان گردانیدن مخاطب است. اگر گفته بود، برای تویا پرتو آسان می گردانیم چیزی را، بنظر میرسد درست باشد. مثل اینکه بگوید: «وتيسر لك». ولی گفته شده است: «تيسر لك». مشکل دوم پیدا کردن موصوف «یسری» است. اگر بجای «یسری» گفته می شد «سختیها را آسان میگردانیم»، مشکلی در آیه مبارکه نداشتیم. اکنون که مشکل فهم ما از آیه بیان گردید می پردازیم به حل مشکل:

در کتاب «پرتوی از قرآن» توضیحی داده شده است. آن توضیح در جای خود درست باشد یا نه ربطی به حل مشکل ندارد و خلاصه آن اینست که مشکل وجود خارجی ندارد. در خارج هر چه هست آسان و آسانتر است. این نفسانیات و

